

عنوان

بررسی رابطه‌ی بین چگونگی گذران اوقات فراغت با کیفیت زندگی زنان ساکن در محلات حاشیه‌نشین

سید رامین قاسمی (کارشناس ارشد رفاه اجتماعی)



نادر رجیبی گیلان (کارشناس ارشد پژوهش اجتماعی)



یکی از مهمترین تحولات صورت گرفته در جوامع معاصر، توسعه‌ی شهرنشینی است و سرعت شتابان این موضوع در کشورهای در حال توسعه و از جمله در ایران مسائل و مشکلات متعددی همچون معضل حاشیه‌نشینی را به دنبال داشته که خود مسبب بسیاری از آسیب‌ها و مشکلات دیگر است. از آنجایی که نحوه گذران اوقات فراغت بازتابی از سبک زندگی افراد بوده، از این رو با وضعیت سلامت افراد مرتبط است اما از سوی دیگر محلات حاشیه‌نشین شهری در این رابطه دچار کمبود امکانات مناسب جهت پر کردن اوقات فراغت افراد می‌باشد. لذا این مطالعه با هدف بررسی وضعیت چگونگی گذران اوقات فراغت و کیفیت زندگی مرتبط با سلامت در زنان ساکن محلات حاشیه‌نشین شهر کرمانشاه و رابطه بین آنها به انجام رسید. این پژوهش با کد 92454 در سال 1392 در مرکز تحقیقات توسعه اجتماعی و ارتقاء سلامت و همچنین شورای پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه به تصویب رسید.

این پژوهش یک مطالعه‌ی مقطعی بود که در بین 574 نفر از زنان ساکن در محلات حاشیه‌نشین شهر کرمانشاه در سال 1393 انجام شد و نمونه‌ها با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. پرسشنامه‌های بکار رفته در این پژوهش، پرسشنامه استاندارد سازمان بهداشت جهانی (WHOQOL-BREF)، پرسشنامه محقق ساخته سنجش نحوه گذران اوقات فراغت و چک‌لیست دموگرافیک بود. داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS18 و با کمک آمار توصیفی، جداول فراوانی و آزمون همبستگی پیرسون، آزمون t و دیگر آزمون‌های آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌های حاصل از پژوهش: میانگین سنی پاسخگویان $32/5 \pm 12/9$ سال بود. میانگین نمرات پاسخگویان در 4حیطه کیفیت زندگی مرتبط با سلامت به شرح ذیل بود: در بعد سلامت جسمانی (59/7)، در بعد سلامت روانی (48/8)، در بعد روابط اجتماعی (58/2) و در بعد سلامت محیط (44/9)؛ که در دو حیطه سلامت جسمانی و روابط اجتماعی، میانگین نمره‌ها بیشتر از نصف و در دو حیطه دیگر کمتر از نصف بود. این یافته‌ها در مجموع بیانگر سطح نسبتاً پایین کیفیت زندگی در

این گروه از زنان می‌باشد که حتی از میانگین‌های بدست آمده در پژوهش‌های انجام شده توسط قاسمی و همکاران بر روی زنان روستایی در سال 1392 نیز پایین تر بود.

در خصوص حیطه‌های گذران اوقات فراغت، حیطه ارتباط حضوری، با میانگین 61/7، بیشترین و حیطه آموزشی با میانگین 2/4، کمترین مقدار را شامل شد. حیطه ارتباطات حضوری شامل معاشرت با گروه‌های مختلف مانند خانواده، دوستان و اقوام بوده و این دسته از فعالیتها بیشترین اهمیت را در اوقات فراغت زنان مورد مطالعه داشت.

نتایج آزمون رگرسیون نشان داد که ابعاد فعالیت‌های تفریحی، فعالیت‌های ورزشی و ارتباطات حضوری در مدل حیطه سلامت فیزیکی، ابعاد فعالیت‌های تفریحی، فعالیت‌های بدون برنامه، فعالیت‌های ورزشی و ارتباطات حضوری در مدل حیطه سلامت روان، ابعاد ابعاد فعالیت‌های تفریحی و ارتباطات حضوری در مدل حیطه سلامت اجتماعی و ابعاد فعالیت‌های تفریحی، مطالعه، فعالیت‌های بدون برنامه، فعالیت‌های ورزشی و ارتباطات حضوری در مدل مربوط به حیطه سلامت محیط باقی ماندند. این بدین معنی است که هر کدام از ابعادی که در مدل باقی مانده‌اند، دارای تأثیرگذاری بیشتری در کیفیت زندگی افراد مورد پژوهش بوده‌اند و بنابراین بایستی مورد توجه قرار بگیرند.

در این پژوهش نزدیک به نیمی از پاسخگویان از نحوه گذران اوقات فراغت خود رضایت کم و خیلی کم و یا عدم رضایت داشتند و تنها 8/7 درصد رضایت زیاد و خیلی زیاد داشتند. بنابراین مشاهده می‌شود، همانگونه که نتایج این تحقیق بیانگر عدم غنای کافی و کیفیت پایین اوقات فراغت گروه هدف بوده، خود پاسخگویان نیز از نظر ذهنی و درونی از کیفیت اوقات فراغت خود راضی نبوده‌اند.

ما از پژوهش انجام شده به این نتیجه دست یافتیم که کیفیت گذران اوقات فراغت در زنان ساکن محلات حاشیه‌نشین بر کیفیت زندگی آنان تأثیرگذار بوده و اقدام در جهت بهبود کیفیت گذران این اوقات، می‌تواند عاملی مؤثر در ارتقاء سطح کیفیت زندگی این گروه از زنان باشد.

با توجه به نتیجه کلی پژوهش که کیفیت و چگونگی گذران اوقات فراغت در گروه مورد مطالعه را عاملی مؤثر بر کیفیت زندگی و سلامت آنان دانسته، نهادهای مرتبط (شهرداری، اداره ورزش و جوانان، اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی و ...) می‌بایستی در خصوص افزایش غنای اوقات فراغت زنان ساکن در محلات حاشیه‌نشین برنامه‌هایی هدفمند و عملی را طراحی و اجرا نمایند. در این خصوص:

فعالیت‌های ورزشی یکی از مهمترین فعالیت‌های اوقات فراغت است که بایستی اجرای آن برای زنان تسهیل گردد. ایجاد امکانات مناسب در سطح محلات از جمله ایجاد پارک‌های کوچک و توسعه فضای سبز و امکانات ورزشی توسط نهادهایی همچون شهرداری و اداره ورزش و جوانان به این هدف کمک خواهد نمود. همچنین بخش عمده‌ای از اوقات فراغت زنان

صرف فعالیتهای بی برنامه و غیرهدفمند شده و به نوعی تلف می شود. با توجه به اهمیت زنان در پرورش نسلهای آتی، سرمایه گذاری جهت پرکردن اوقات تلف شده آنان با فعالیتهای مفید همچون سوادآموزی، مطالعه، ورزش، دریافت اطلاعات علمی و ... بسیار مفید خواهد بود که ازجمله سرمایه گذاریهای ارزشمند و مفید و پربازده خواهد بود که توسط نهادهایی همچون اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی می تواند انجام پذیرد (برای مثال: گسترش کتابخوانی).

با توجه به اینکه نیمی از پاسخگویان دو علت «نداشتن امکانات مالی» و «در دسترس نبودن امکانات مناسب در نزدیکی محل زندگی» را دلیل ناتوانی خود از پرداختن به فعالیتهای مورد علاقه دانستند. این بدین معنا است که فقر، در ابعاد فردی و خانوادگی و محرومیت های محیط زندگی آنان، یعنی محلات حاشیه نشین، دو عامل مهم در غنای پایین اوقات فراغت از نظر خود گروه هدف این تحقیق است که رفع این محرومیتها از سوی نهادهایی همچون فرمانداری و شهرداری در بهبود اوضاع و غنی سازی اوقات فراغت آنان موثر خواهد بود.

نتایج این مطالعه در قالب دو مقاله که در مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه (ISC) در سال 1393، دوره 18، شماره 9، صص: 547-556 و مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی مازندران (Scopus) در سال 1393، دوره 24، شماره 120، صص: 14-24 به چاپ رسیده است. برای اطلاعات بیشتر می توان به آدرسهای اینترنتی زیر مراجعه نمود:

<http://journals.kums.ac.ir/ojs/index.php/jkums/article/view/2093>
http://jmums.mazums.ac.ir/browse.php?a_id=4862&sid=1&slc_lang=fa